

The Political Economy Approach to Kermanshah Sustainable Development

Farhad Daneshnia*
Yousef Mohammadifar**

Abstract

The status of economy is decisive in the positioning of countries in the regional and global power and wealth system. Promoting economic power and achieving national and local balanced progress are considered as the first function of the state in the global political economy. Solving the needs of the national political economy and local sustainable development management in the Islamic Republic of Iran, especially in the conditions of international sanctions, requires the adoption of new political strategies and approaches. The application of the development capacity of cities activity in their surrounding geography is one of the priorities of national development policy at the local governance and specifically urban management policy. The role-playing mechanism of the city in the globalization context is the application of urban diplomacy. The discourse arising from the attention to the city and the necessity of adapting the national and local planning system to the requirements of the appropriate activity of the cities in the surrounding areas are still neglected in the development policy of the Islamic Republic of Iran. Kermanshah is the most important population center in the west of the Iran with a decisive geo-political, geo-economics and geo-cultural weight in the region. However, the equal development process of this province has found a problematic situation. This study tries to find an answer about what the way out of the development bottlenecks of Kermanshah province in the framework of the political economy approach is. The hypothesis of this study is that the application of the political economy approach to the management of urban sustainable development involves the prioritization of urban development issues, branding and improving the image of the city and activation of urban diplomacy for connecting the political economy of the city to its surrounding geography, and providing for the participation of the city in the processes of Production, trade, money, finance, tourism and communication of the region at domestic and foreign level. The method of this research is descriptive-analytic and the data were collected from written sources and theoretical-practical texts, land use reports of Kermanshah province, field observations and live experience of the authors. A theoretical and empirical finding of this research indicates that the absence of a political economic approach to the development, has delayed designing and formulation of the sustainable economic development policy of Kermanshah province, achieving a strategic consensus around the identity of the political economy of that and not to adopt efficient mechanisms of interaction with national and regional power and wealth circles. The result of the aforementioned discontinuity is the accumulation of problems affecting the equal development of the province.

Keywords: Urban Political Economy, Urban Sustainable Development, City Diplomacy, Kermanshah Metropolis.

Article Type: Research Article.

Citation: Daneshnia, Farhad & Mohammadifar, Yousef (2022). The Political Economy Approach to Kermanshah Sustainable Development, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 357-388.

* Associate Professor of International Relations, Dept. of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author), f.dnshn@razi.ac.ir

** Assistant Professor of Business Management, Dept. of Entrepreneurship, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.



مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی

فرهاد دانش‌نیا*

یوسف محمدی‌فر**

چکیده

جایگاه اقتصاد در موقعیت‌یابی کشورها، مناطق و شهرها در منظومه قدرت و ثروت منطقه‌ای و جهانی، تعیین‌کننده است. از یک سو ارتقای قدرت اقتصادی و دستیابی به پیشرفت متوازن ملی و محلی به‌مثابه کار ویژه مهم دولت تلقی می‌شود و از دیگر سو رفع نیازهای اقتصاد سیاسی ملی و مدیریت توسعه پایدار محلی به‌ویژه در شرایط تحریم‌های بین‌المللی، مستلزم اتخاذ راهبردها و رویکردهای سیاستی مدرن است. در این راستا کاربرد ظرفیت کنش‌گری توسعه‌ای شهرها در جغرافیای پیرامون خود از اولویت‌های سیاست‌گذاری توسعه‌ای ملی، حکمرانی محلی و به‌طور خاص مدیریت شهری به‌شمار می‌رود. یکی از مکانیسم‌های نقش‌آفرینی شهر در فضای جهانی شدن، کاربست دیپلماسی شهری است. گفتمان برآمده از توجه به شهر در سیاست‌گذاری توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران و ضرورت انطباق نظام تدبیر ملی و محلی با نیازها و اقتضات کنش‌گری متناسب شهرها در مفرهای پیرامون خود همچنان مغفول مانده است. در این میان توجه به کلان‌شهر کرمانشاه اهمیت ویژه‌ای دارد. این شهر مهم‌ترین مرکز جمعیتی غرب کشور با وزن ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر تعیین‌کننده است. با این حال فرایند توسعه متوازن آن، وضعیت پرابلماتیکی یافته است. پرسش این است که برون‌رفت از تنگناهای توسعه‌ای این شهر در چارچوب رهیافت اقتصاد سیاسی چگونه است؟ فرضیه پژوهش آن است که کاربست رویکرد اقتصاد سیاسی به مدیریت توسعه پایدار شهری متضمن اولویت‌بندی مسائل توسعه‌ای شهر، برندیابی و بهبود تصویر شهر و فعال‌سازی دیپلماسی شهری برای اتصال اقتصاد سیاسی شهر به جغرافیای پیرامون خود و تمهید مشارکت شهر در فرایندهای تولیدی، تجاری، پولی، مالی، توریستی و ارتباطاتی منطقه در سطح داخلی و خارجی است. روش پژوهش پیش‌رو، تحلیلی - توصیفی و داده‌ها از منابع و متون نظری - تحلیلی مکتوب، گزارش آمایش استان کرمانشاه، مشاهدات میدانی و تجربه زیسته نگارندگان تدوین شده است. به‌طور خلاصه یافته‌های تئوریک و تجربی پژوهش نشانگر آن است که ضعف رویکرد اقتصادی سیاسی به طراحی و تدوین سیاست توسعه اقتصادی پایدار کرمانشاه مشهود است که دستیابی به اجماع استراتژیک حول هویت اقتصاد سیاسی این شهر و اتخاذ سازوکارهای روزآمد تعامل با مدارهای قدرت و ثروت ملی و منطقه‌ای را به تأخیر انداخته است. برآیند گسست یادشده تراکم مسائل تأثیرگذار بر پیشرفت متوازن استان است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی شهر، توسعه پایدار شهری، دیپلماسی شهری، برندیابی شهری، کرمانشاه.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)، f.dnshn@razi.ac.ir

** استادیار مدیریت بازرگانی، گروه کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره اول، ۳۵۷-۳۸۸.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



۱. مقدمه

مدیریت توسعه در ابعاد مختلف آن، به‌ویژه حصول به توسعه اقتصادی، مسئله اصلی اقتصاد سیاسی ج.ا.ا در شرایط تحریم همه‌جانبه کشور است. باوجود تدوین و اجرای برنامه‌های مختلف توسعه و دستیابی به بخشی از اهداف و آرمان‌های پیش‌بینی شده در اسناد بالادستی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، کماکان پایداری اقتصاد سیاسی ج.ا.ا در مقابل تکان‌های داخلی و خارجی و حل و فصل مسائل توسعه ملی با تنگنا مواجه است. مقوله‌هایی نظیر مقابله با بیکاری، رقابت‌پذیری صنعت، کاهش آسیب‌های اجتماعی، حل معضلات شهری، پایداری محیط‌زیست و... نه‌تنها با رفاه و کیفیت زندگی شهروندان بلکه به‌مثابه «سیاست‌های والا» (high politics) با مقوله ثبات و امنیت پایدار ملی پیوند تنگاتنگی دارد.

اگرچه مناطق و شهرهای مختلف کشور از حیث دستیابی به مدارهای توسعه وضعیت یکسانی ندارند، اما شاخص‌های مختلف توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... نشانگر آن است که ساختار اقتصاد سیاسی کرمانشاه به‌صورت خاص، با چالش‌های توسعه‌ای روبرو است. این در حالی است که کرمانشاه یکی از پرجاذبه‌ترین شهرهای کشور از حیث قابلیت‌های بالقوه جذب گردشگر، سرمایه‌گذار، دانشجو و... است. ازجمله این پتانسیل‌ها می‌توان به جاذبه‌های تاریخی، جاذبه‌های طبیعی، جاذبه‌های اجتماعی سنتی و نوپدید و همچنین پتانسیل‌های اقتصادی اشاره کرد.

کلان‌شهر کرمانشاه به‌مثابه بزرگ‌ترین مرکز تجمع جمعیتی غرب کشور در طول چند دهه از حیات انقلاب اسلامی نقش بی‌بدیلی در عرصه‌های مختلف مانند رخداد انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و مشارکت در فرایند بازسازی کشور متعاقب جنگ ایفا نموده است. لکن کرمانشاه کماکان با مسائل و چالش‌های توسعه‌ای مختلفی مواجه بوده و نقش و جایگاه نازلی در تقسیم‌کار ملی دارد، مطالعات آمایش نشان می‌دهد که اقتصاد سیاسی کرمانشاه با مسائلی نظیر پدیده نخست شهری، فریه‌شدن بخش حاشیه‌نشین شهر تا حد یک‌سوم جمعیت شهری کرمانشاه، رشد آسیب‌های اجتماعی در شهر، ساختار سنتی خدمات شهری به‌ویژه دفع فاضلاب و مدیریت پسماند شهری، احراز رتبه‌های انتهایی از بیکاری طی دهه اخیر، سهم ناچیز از تولید ملی، پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری صنعتی

کشور و... روبه‌رو است (مطالعات آمایش استان کرمانشاه، ۱۳۹۷).

پژوهش پیش‌رو بر محور این پرسش راهبردی مفصل‌بندی شده‌که: چگونه وضعیت فعلی شهر کرمانشاه و مسیرهای برون‌رفت از آن در چارچوب رهیافت اقتصاد سیاسی قابل فهم است؟ در راستای پردازش این سؤال چند پرسش فرعی نیز طرح‌شده است. ازجمله این‌که جایگاه و کار ویژه شهر در اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و جهانی چگونه است؟ توسعه پایدار شهری کرمانشاه در تقسیم‌کار ملی و منطقه‌ای با چه فرصت‌ها و تنگناهایی روبه‌رو است؟ نقش سیاست و مدیریت شهری کرمانشاه در برون‌رفت اقتصاد سیاسی شهر از وضعیت پروبلماتیک توسعه‌ای موجود، پاسخگویی به مطالبات شهروندان و نیز یاری‌رساندن به اقتصاد ملی در شرایط تحریم چگونه است؟

ضرورت طرح بحث حاضر آن است که نائل‌آمدن حکمرانی محلی به انسجام نظری درخصوص سرشت و مختصات توسعه کرمانشاه و تجهیز منابع و امکانات موجود جهت تحقق توسعه پایدار شهری، با رضایت شهروندان، ثبات، انسجام و همبستگی محلی و ملی نسبت وثیقی دارد. ناکامی در تدوین استراتژی توسعه شهری، سردرگمی در یافتن مزیت‌های رقابتی شهر و فقدان دستور کار جهت فعال‌سازی ساختار ارتباطاتی شهر، به تراکم چالش‌های توسعه‌ای شهری، نارضایتی شهروندان و نهایتاً تضعیف سازه‌های تعیین‌کننده حیات پویای شهری می‌انجامد. حصول به توسعه متوازن در کرمانشاه به دلیل تکرر و پیچیدگی قومی فرهنگی آن و نیز موقعیت و نقش استراتژیک پهنه سرزمینی یادشده در تحقق توسعه و به‌ویژه امنیت پایدار ملی حائز اهمیت دوچندان است؛ بنابراین هدف پژوهش پیش‌رو آسیب‌شناسی فرایند توسعه پایدار شهری کرمانشاه و نیز تبیین یکی از امکانات متصور جهت ارتقای حیات اقتصادی-اجتماعی شهر با رویکرد اقتصاد سیاسی است.

در این راستا به چگونگی طراحی و شکل دادن به سازوکارهای تعامل شهر با جغرافیای پیرامون خود در راستای تحقق توسعه متوازن و پویای کرمانشاه پرداخته می‌شود. در ادامه بحث ضمن طرح چارچوب نظری، به چالش‌های چندوجهی فراروی توسعه پایدار شهر کرمانشاه و چگونگی اتصال اقتصاد سیاسی آن به منطقه پیرامون خود به‌عنوان جهت‌گیری

اصلی تبدیل این شهر به مکانی تأثیرگذار و پیشرو در منطقه از منظر رویکرد اقتصاد سیاسی پرداخته می‌شود.

۲. چارچوب نظری پژوهش

یکی از رهیافت‌های نظری نوین به مسائل توسعه متوازن شهری در فراسوی رویکرد جامعه‌شناسی شهری، برنامه‌ریزی شهری، جغرافیای شهری، مدیریت شهری و کارآفرینی در شهر؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (Political Economy Approach) است. به تعبیر لوفور هر یک از سنت‌های علمی و تحقیقاتی تاکنون به شکلی گسیخته و منفک از هم گوشه و نمایی از آن را توصیف و تحلیل کرده‌اند (لوفور ۱۳۹۴)؛ لکن از منظر اقتصاد سیاسی، شهر به مثابه یک کلیت پیچیده تلقی شده و این واقعیت در حوزه سیاست‌گذاری و مداخلات توسعه‌ای در امور شهر نیز صدق می‌کند. درحالی‌که حریم معرفتی علم به شهر و پیچیدگی‌های آن را می‌بایست و رای مرزبندی‌های تصنعی رشته‌ای جستجو نمود. در این راستا به چارچوبی بنیادین و فراگیر نیاز است که منطق درهم‌تنیده عملکرد پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیرساختی و تحولات چندوجهی و پیچیده تأثیرگذار بر فرجام توسعه پایدار شهر را درک و فهم نماید.

درواقع تکوین رویکرد اقتصاد سیاسی به مطالعات توسعه شهری را می‌بایست برآیند نقد دیدگاه‌هایی دانست که توسعه ملی و محلی را به یکی از عناصر جغرافیا، تکنولوژی، سرمایه یا فرهنگ تقلیل می‌دهند. مفروض رهیافت اقتصاد سیاسی این است که تطور و تکامل توسعه پایدار شهری برآیند اندرکنش نیروها و روندهای مختلفی است که الزامات جغرافیا، محیط، تکنولوژی و سرمایه است. بر اساس مضامین نظری رهیافت یادشده، توسعه و توسعه‌نیافتگی شهر نتیجه کیفیت سیاست‌گذاری و الگوی حاکم بر روابط سیاسی - اقتصادی و فرهنگی خرد و کلان در سطوح محلی، ملی و فراملی است. از این منظر، مدیریت شهری امری فی‌نفسه سیاسی بوده و نقش ساخت قدرت و تصمیمات سیاسی نخبگان، نهادها، دولت و صاحبان قدرت و ثروت در کیفیت حیات اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و اجتماعی شهری بی‌بدیل است (Cox, 1994).

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۶۱

ازجمله نظریه‌پردازان رهیافت اقتصاد سیاسی توسعه شهر می‌توان به هانری لوفور، رابرت کاکس، سوزان استرنج، آلن اسکات، مانوئل کاستلز و دیوید هاروی اشاره نمود. هر یک از متفکران یادشده زوایای مختلف و درهم‌تنیده توسعه شهر و چگونگی کنش‌گری شهرها در هدایت جریان‌های پولی-مالی، تجاری و فناورانه جهانی را در جهت تحقق توسعه محلی و ملی تئوریزه می‌کنند. دیوید هاروی معتقد است که سرمایه در عصر جهانی شدن خصلت شهری پیدا کرده و شهرها به مراکز اصلی اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند. رابرت کاکس و سوزان استرنج تأثیر تعیین‌کننده طیفی از مادرشهرها یا متروپلیتن‌ها را در هدایت جریان‌های فراملی سرمایه جهانی تبیین نموده و اتصال به این مراکز را در تحول و توسعه اقتصادی ملی و محلی حائز اهمیت می‌دانند (Strange & Cox, 1994).

فصل مشترک سامان فکری نظریه‌پردازان یادشده این گزاره بنیادین اقتصاد سیاسی است که «سیاست و توسعه شهر به اشکال مختلف با یکدیگر پیوند خورده و زندگی بشر در بستر شهر، قبل از هر چیز، کیفیت و خصلتی سیاسی داشته و به تصمیمات نظام تدبیر و نحوه رویارویی آن با چالش‌ها و فرصت‌های موجود بستگی دارد» (Curtis, 2014). در چارچوب رهیافت اقتصاد سیاسی، چگونگی تعامل و درهم‌تنیدگی ساختارها و نهادهای سیاسی-اقتصادی و فرهنگی برای توسعه و تحول شهر تئوریزه شده و نشان داده می‌شود که کیفیت سیاست و دولت‌داری، عامل اصلی و متغیر تأثیرگذار بر پویایی و پیشرو شدن شهر و اتصال آن به کانون‌های قدرت و ثروت منطقه‌ای و جهانی یا برعکس عقب‌گرد و زوال حیات پایدار شهری است. متقابلاً تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر بر استحکام قدرت و ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی محلی و ملی تأثیر انکارناپذیر بر جای می‌گذارد. متغیر سیاست و حکمرانی شهری در قالب‌های مختلفی ازجمله در قالب برنامه‌ریزی و طراحی الگوی توسعه، حیات بهتر یا بدتر شهری را رقم می‌زند (خلیل‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۱۱۷).

بر این اساس ساختار و الگوهای تصمیم‌گیری یا حکمرانی است که موقعیت شهر در سلسله‌مراتب قدرت و ثروت منطقه‌ای و جهانی را رقم می‌زند. این موضوع به‌ویژه در بستر جهانی شدن اقتصاد، اهمیت یافتن تولید دانش‌بنیان و نحوه رویارویی با روندهای تحقق‌بخش

آن نظیر هدایت جریانات سرمایه و تکنولوژی به شهر، دستیابی به توافقات تجاری، استقرار خدمات نوین در شهر، برندسازی شهری و... اهمیت بیشتری می‌یابد. کارآمدی و اثربخشی تصمیمات مدیریت شهری و انطباق آن با الزامات اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و جهانی سهم و نقش شهر در تحقق مدارهای توسعه و توسعه‌نیافتگی محلی و ملی را تعیین می‌کند (دانش‌نیا، ۱۳۹۱: ۷۸).

دغدغه اقتصاد سیاسی تنها نقد مقوله توزیع منابع، تحلیل کشمکش‌ها و روابط نابرابر حاکم بر شهر نیست (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۷۳). بلکه برداشت نوین اقتصاد سیاسی با رویکردی ایجابی و سیاستی به تبیین سیاست مدیریت شهری و چگونگی نقش‌آفرینی حکمرانی محلی برای بهبود وضعیت اقتصادی شهر و تحقق توسعه پایدار شهری از طریق خلاقیت شهر، سرمایه‌پذیرنمودن شهر، پویایی اقتصاد شهر، مدیریت کارآمد معضلات شهری و... می‌پردازد. در این چارچوب، شهر پدیده‌ای اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و هم‌زمان سیاسی است. سیاسی بدین معنا که تصمیم‌گیری نظام تدبیر است که فرجام توسعه شهر را رقم می‌زند. شهر نیز به مثابه کنش‌گری نوین بر سیاست توسعه ملی و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی نظام سیاسی اثرگذار است.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ابزارهای تأثیرگذار بر فرجام توسعه شهر از منظر اقتصاد سیاسی، مقوله دیپلماسی شهری (City Diplomacy) است. دیپلماسی شهری به معنای به‌کارگیری ظرفیت‌های سیاست و نیروهای سیاسی کارآزموده در تعامل با ساختارهای داخلی و فراملی قدرت و ثروت به‌منظور تقویت بنیان‌های توسعه‌ای شهر در حوزه کسب‌وکار، تجارت، سرمایه‌گذاری، بهبود تصویر شهر و... در رویارویی با اقتضائات و حل پیچیدگی‌های توسعه‌ای شهر در فضای جهانی شدن است. در ادامه پژوهش از منظر اقتصاد سیاسی روابط بین‌المللی شهر در قالب مفهوم دیپلماسی شهری، چگونگی کاربست سازوکار یادشده برای ارتقای توسعه پایدار شهری در کرمانشاه تحلیل و تئوریزه می‌شود.

۳. تحول ساختارهای اقتصاد سیاسی جهانی به مثابه متغیر تعیین‌کننده آهنگ توسعه شهر

برهه کنونی از حیات جامعه بشری در هزاره سوم میلادی با مفهوم منطقه‌گرایی و

جهانی شدن گره خورده است. در حقیقت، جهانی شدن، رخداد دوران‌ساز عصر کنونی است. در پرتو تحول برآمده از جهانی شدن، مجموعه‌ای از تغییرات بنیادین در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری رخ داده است. منطق عملکرد رخداد یادشده از طریق ظهور فنآوری‌های نوین و نیز مناسبات پولی، مالی، تولیدی، تجاری، سیاسی و فرهنگی ملازم آن است (Pluijm, 2007: 8). تاکنون مفاهیم و اصطلاحات مختلفی در علوم اجتماعی برای مفهوم‌سازی تحولات ناشی از رخداد جهانی شدن تکوین یافته که از جمله آن‌ها می‌توان به ظهور جامعه پسا صنعتی، جامعه شبکه‌ای، جامعه دانش‌بنیان، وضعیت پسامدرن، عصر اطلاعات و ارتباطات، پسا فور دیسم و نظام نوین جهانی اشاره نمود. برآیند دگر دیسی یادشده، فراملی شدن ساختار تولید، تجارت، مالیه و چارچوب سیاسی - فرهنگی متناسب آن است. در قالب ساختار نوین اقتصاد سیاسی جهانی، زمینه گسترش، پراکندگی و انتقال سریع کالاها، خدمات، ایده‌ها و تصاویر در سراسر جهان و ورای مرزهای ملی فراهم شده است.

در بستر جهانی شدن، نوعی تکثر سازمانی و نهادی (the organizational explosion) تحقق یافته که به واسطه آن از یک سو، تمرکز و اعمال انحصاری قدرت و نیز مدیریت توسعه از دست دولت‌ها خارج شده و بازیگرانی نظیر شرکت‌ها و شهرها را به کانون مناسبات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی وارد نموده است. از دیگر سو و به طور هم‌زمان امکان تحرک (the mobility upheaval)، جابه‌جایی و کنش‌گری را برای چنین بازیگران نوظهوری به‌ویژه در حوزه‌های پولی - مالی، تولیدی و تجاری ورای نظارت و کنترل دولت‌ها میسر ساخته است (Rosenau, 1999). تحول دیگر، باز سامان‌دهی اساسی ساختارهای اقتصاد جهانی به‌ویژه در حوزه پولی - مالی و تجاری است.

در نتیجه جهانی شدن، نوعی ساختار پولی - مالی - تجاری و تولیدی جهانی و فراملی تکوین یافته که فرایند رشد و رفاه محلی و ملی در نسبت با آن رقم می‌خورد؛ بنابراین این امکان برای جریان‌ات فراملی اقتصاد فراهم شده که روابط تولید و تقسیم‌کار موجود در مناطق مختلف را تغییر دهند. این مهم غالباً از طریق عملکرد بازیگران فراملی از جمله شرکت‌هایی صورت می‌گیرد که صاحب فنآوری، تولید و سهم بازار تجارت جهانی بوده و

موجبات ادغام سرمایه‌ها و ظرفیت‌های کشورهای و مناطق مختلف را در قالب یک ساختار درهم‌تنیده فراملی فراهم آورده‌اند (Cox, 1994).

شاخصه بارز ساختار جهانی تولید، شکل‌گرفتن پدیده «کارخانه جهانی» (global factory) است. به این معنا که در مرحله جدید گسترش اقتصاد جهانی این امکان برای شرکت‌های فراملی فراهم شده که مراحل مختلف تولید یک کالا را در چندین شهر در کشورهای مختلف، مستقر سازند. از این منظر، کشورها به مراکز تحقیق (research center)، کنترل کیفیت (fabrication plant) و خط مونتاژ (assembly Line) رده‌بندی می‌شوند. بالطبع ملاک قدرتمندی و مکان‌یابی یک کشور یا شهر آن است که در چه بخشی از این شبکه و با چه میزان پیچیدگی و به چه حجمی مشغول فعالیت باشد.

در کنار جهانی‌شدن ساختار تولید، مقوله تجارت و شکل‌گیری بازار جهانی نیز به همان اندازه و حتی بیشتر از آن، در رقم‌خوردن فرجام توسعه کشورهای و شهرها تعیین‌کننده است. در حال حاضر چندین برابر حجم تولید جهانی، تجارت صورت می‌گیرد و در بازار تجارت منطقه‌ای و جهانی بازیگرانی حضور دارند که حتی بدون داشتن سهمی از فرایندهای تولید، تنها با تکیه بر پتانسیل و ظرفیت ترانزیتی، تجاری و خدماتی خود از جمله دارا بودن شبکه بین‌المللی بانکی از این روندها سود می‌برند. برآیند وضعیت یادشده، درهم‌تنیدگی قدرت دولت با شرکت‌ها و کارکردهای نوین دولت و شهر در بازار جهانی است. شکل‌گیری پدیده دولت مجازی (virtual state) در اقتصاد جهانی اساساً دلالت بر چنین تحولی در سرشت و کار ویژه دولت و دیگر بازیگران دارد که در قدرت و اقتدار دولت‌ها سهمیم شده‌اند (Strange, 2015).

در فضای جهانی‌شدن اقتصاد، بهره‌گیری از بسترهای تولیدی - تجاری منطقه‌ای و جهانی در افزایش ظرفیت تولید، خلاقیت، نوآوری و دستیابی به ارزش افزوده تأثیر چشم‌گیری دارد. اکنون، اقتصاد و شیوه تولیدی که نتواند برای بازارهای منطقه‌ای و جهانی برنامه‌ریزی نموده و دغدغه کسب سهمی از تجارت جغرافیای پیرامون خود را نداشته باشد، نمی‌تواند به انباشت چندانی در داخل دست یابد. در حال حاضر بیش از ۹۰٪ مناسبات تجاری و مالی جهانی در قالب نهادها و بازیگران غیردولتی فراملی صورت می‌گیرد (واعظی

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۶۵

و موسوی شفقایی، ۱۳۸۸). این مهم در بستر فعال‌سازی کانون‌های خرد و فروم‌لی تصمیم‌گیری به‌ویژه شهرها و استفاده از سازوکارهای نوین جذب منابع و فرصت‌ها در جغرافیایی پیرامون اکوسیستم‌های متنوع تجلی می‌یابد که نشان می‌دهد نقش شهرها در این تقسیم‌کار افزایش چشمگیری یافته است.

۴. جایگاه و کارکرد ژانوسی شهر در بستر اقتصاد سیاسی جهانی

قرن بیستم را کسانی چون تیلور و کاستلز به فضای مکان‌ها (spaces of places) و قرن کنش‌گری و طلایه‌داری دولت در عرصه سیاست ملی و نیز تعاملات بین‌المللی تعبیر نموده‌اند (Castells, 2004). در این راستا دولت مهم‌ترین و تنها بازیگر متولی رتق‌و‌فتق توسعه و مسئول تعریف و تحقق منافع ملی شهروندان به‌شمار می‌رفت. در چارچوب گفتمان دولت‌محور و ستفالیایی همه تعاملات، روندها و رویدادها از مجرای دولت تعقیب شده و تحقق می‌یافت. متقابلاً جای چندانی برای تحرک و کنش‌گری بازیگران غیردولتی به‌ویژه در عرصه فراملی متصور نبود. واقعیت آن است که در فضای جهانی شدن کمتر دولتی می‌تواند بدون توسل و تعامل سازنده با فرایندهای جهانی تولید، تجارت، فن‌آوری و سرمایه‌گذاری؛ اهداف و برنامه‌های توسعه‌ای خود در سطح ملی و محلی را به‌پیش ببرد. اساساً یکی از نتایج جهانی‌شدن در حوزه توسعه، گذار از الگوهای انزوآگرایانه و درون‌گرای توسعه به سمت الگوهای بازار محور، برون‌گرا و مبتنی بر تعامل با ساختارهای فراملی است. نکته مهم آن است که ابزار تحقق و هدایت این جریانات به درون اقتصاد محلی تا حد زیادی خارج از کنترل و توانمندی دولت‌ها بوده و تک‌تک ساختارهای حکمرانی محلی از جمله مدیریت شهری و شهرداری‌ها در این زمینه کنش‌گر محسوب می‌شوند. به هر اندازه که ساختار تصمیم‌گیری ملی و محلی یک کشور، خود را برای بازیگری در این فضا آماده کرده باشد، به همان اندازه از چشم‌انداز کلاسیک به مدیریت، قدرت، حکومت (government) و سازوکارهای تعامل سستی فاصله گرفته و زمینه را برای شکل‌گیری ساختار مبتنی بر حکمرانی (governance) در قالب کنش‌گری طیف متنوعی از بازیگران خرد و محلی در جغرافیای پیرامون خود و ورای آن فراهم می‌آورد (Nye, 2005).

درواقع جهانی شدن نقطه عطفی در سرشت، جایگاه و کار ویژه دولت در اقتصاد ملی، منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شود. روندهای جهانی شدن در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به تعبیر رابرت کاکس نه در قالب دولت بلکه در چارچوب شبکه‌ای از مادرشهرها یا جهان شهرها عمل می‌کند که با سرعت شتابان قدرت و ثروت را کنترل می‌کنند. شهرهای پیشرو نقاط پیوند یا گره‌های ساختار شبکه‌ای اقتصاد و بستر تعاملات و ارتباطات توسعه‌ای فضای جهانی شدن محسوب می‌شوند. از این منظر به قول ساسکیا ساسن شهرها پایگاه تولید، تجارت و مالیه جهانی و کانون اصلی ثروت و محرک توسعه هستند (Sassen, 2006: 16).

پر بی‌راهه نیست اگر گفته شود جهانی شدن اقتصاد به‌عنوان فرایند غالب عصر حاضر، در سطح شهرها و از طریق شهرها عمل نموده و شهر را به بازیگر اصلی و تعیین‌کننده در عرصه سرمایه‌گذاری، تجارت، تبلیغات، بازاریابی و تعاملات فرهنگی و سیاسی مبدل ساخته است (Curtis, 2014). در این راستا نه تنها شهرنشینی به پدیده غالب و شهر به مهم‌ترین مرکز تجمع جمعیتی قرن حاضر تبدیل شده، بلکه شهر کنش‌گر تعیین‌کننده فرایند توسعه ملی و پیش‌برنده مناسبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارتباطات منطقه‌ای و جهانی است. مدل عملکرد شهرها در اقتصاد جهانی در قالب شبکه است. شبکه‌های شهری عصر جهانی شدن به سیستمی از ارتباطات متقابل و نظام مبادلات بین‌شهری گفته می‌شود که زمینه استقرار جمعیت، سرمایه، کسب‌وکارهای نوظهور، فناوری و دیگر خدمات تخصصی را در مکان‌های موردنظر به‌ویژه شهرهای اصلی فراهم می‌کند. شکل‌گیری شبکه‌های شهری خود برآیند روابط تجاری، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و نیز مبادله تجربیات، الگوهای همکاری و توسعه است.

به‌طور طبیعی سطح توسعه‌یافتگی شهر نیز، به‌نوبه خود برآیند موقعیت و کارکرد آن در چارچوب ساختار شبکه‌ای یادشده است. شبکه‌هایی که به تعبیر کاستلز، فضای جریان‌ات جهانی شدن (networks process flows) را به‌پیش می‌برند (Castells, 2004: 3). در قالب دسته‌بندی‌های جاافتاده جهانی شدن از شهرها، به دودسته شهرهای تأثیرگذار و پیشرو در

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۶۷

حوزه ارتباطات و اطلاعات و شهرهای موسوم به سیاه‌چاله، بیابان‌های اطلاعاتی یا شهرهای محروم، منفعل و مقاوم در مقابل ارتباطات سیال نوین جهانی پرداخته می‌شود. شهرهای پیشرو و شهرهای جهانی آن دسته مراکز جمعیتی هستند که در فضای جریان‌ات اقتصاد جهانی در یکی از حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ، ارتباطات و خدمات زیربنایی متمرکز شده و اعتبار دارند. جهان شهرها یا متروپلیتن‌ها یک گام جلوتر بوده و به مراکز اصلی فرماندهی و کنترل روندهای پولی، مالی، تجاری و تولیدی سرمایه جهانی تبدیل شده‌اند. هرکدام از انواع یادشده شهر حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی خود را دارا هستند (Cox, 1994).

چنین شهرهایی حول یک شبکه شهری تکوین یافته و سیستمی از ارتباطات درونی و بیرونی و نظام مبادله در شبکه شکل می‌گیرد که زمینه‌ساز استقرار جمعیت، سرمایه، فناوری و خدمات تخصصی است. روابط تجاری، تولیدی، فرهنگی، ارتباطی و سیاسی - مذهبی در قالب شبکه یادشده و با محوریت شهر اصلی در بستری مبتنی بر وابستگی متقابل سامان می‌یابد. در این ساختار، شهرها در قالب شبکه و به‌صورت شرکای یکدیگر عمل نموده، تقسیم‌کاری بین شهرها شکل می‌گیرد که شهر اصلی یا پیشرو نقش هاب، کانون و گره‌گاه اصلی شبکه در جغرافیای پیرامون خود را در قالب مرکزیت صنعتی، توریستی، تجاری، آموزش عالی، تولیدی، ارتباطی، هنری، پزشکی، حقوقی و... ایفا می‌کند.

تحولات مذکور در جایگاه و کارکرد شهر در اقتصاد جهانی نشانگر آن است که اولاً این شهرها و نه دولت‌ها هستند که تا حد زیادی امر توسعه و توسعه‌نیافتگی را در سطوح مختلف محلی، ملی و منطقه‌ای رقم می‌زنند. دوم اینکه موقعیت، جایگاه و سطح توسعه‌یافتگی شهر خود حاصل جغرافیا یا تکنولوژی نیست و رشد و توسعه شهر در فرایندی طبیعی، تکنولوژیک یا به‌طور تصادفی اتفاق نمی‌افتد. بلکه محصول تصمیم و اراده نخبگان سیاسی در سطح نهادها و مساعی صاحبان قدرت و ثروت حاضر در شهر است. در حقیقت بخش عمده‌ای از آنچه برای کشورها در اقتصاد جهانی رقم می‌خورد از طریق میزان حضور شهرهای آن‌ها در فضای اقتصاد منطقه‌ای و جهانی تحقق می‌یابد. برخلاف گفتمان دولت‌محور (state centric) دوره جنگ سرد و پیش از آن اکنون شهر است که جایگاه و

موقعیت دولت در سلسله‌مراتب قدرت و ثروت جهانی را جابجا می‌کند نه برعکس. تا پیش از شکل‌گیری اقتصاد جهانی توسعه شهرها معلول سیاست‌گذاری دولت و توجه دولت در رفع نیازهای آن‌ها بود. اکنون برعکس به تناسب میزان حضور و نفوذ شهرهای یک کشور در روندهای نوین پولی، مالی، تولیدی و تجاری منطقه‌ای و جهانی، گستره ژئوپلیتیک، ژئوکانومیک و ژئوکالچر ملی نیز تعریف و تحدید می‌شود؛ بنابراین شهرهایی که در ساختار رقابتی نوین بر سر کسب سهم سرمایه، دانش، تکنولوژی و بازار جایگاهی برای خود نیابند از گردونه حذف‌شده و در حاشیه اقتصاد جهانی باقی می‌مانند. اصطلاح بیابان‌ها یا سیاه‌چاله‌های عصر جهانی‌شدن، شهرهای درخودمانده، شهرهای حاشیه‌ای، شهرهای خسته، فروپاشیده و... دلالت بر وضعیت چنین شهرهایی دارد که دستور کار توسعه‌ای روزآمد و چارچوب نوینی برای بازی و تعامل در فضای جریانات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی عصر نوظهور طراحی و تدوین ننموده و درگیر فضای مکان‌ها هستند. چنین شهرهایی به تعبیر گی بورژل تنها تجمعات زیستی پرازدحامی به‌شمار می‌روند (بورژل، ۱۳۷۷: ۱۱).

باوجود اهمیت یافتن شهر به‌عنوان بازیگری تأثیرگذار و تعیین‌کننده توسعه و ثروت افزایی در عصر جهانی‌شدن اقتصاد، این قاعده درخصوص بسیاری از شهرها به‌ویژه شهرهای مستقر در کشورهای درحال توسعه چندان صدق نمی‌کند. مدیریت چنین شهرهایی بسیار پیچیده شده است. این در حالی است که شهرنشینی در جهان به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه طی دهه‌های اخیر روند روبه‌رشدی را تجربه نموده است. در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد مردم جهان، در شهرها زندگی می‌کنند. نکته آن است که بسیاری از کلان‌شهرهای مستقر در کشورهای درحال توسعه، بی‌برنامه و بدون استراتژی جامع توسعه متوازن شهری، با نوعی درهم‌ریختگی و گسست ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، زیربنایی و فرهنگی شهر و تراکم مشکلات دست‌به‌گریبان هستند.

بسط تصاعدی چالش‌های توسعه‌ای شهرها نظیر بیکاری، حاشیه‌نشینی، انباشت مسائل زیست‌محیطی شهر، ناکارآمدی ساخت مدیریت شهری، مشکلات بهداشتی، ناتوانی در دفع

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۶۹

سامان‌مند زباله و فاضلاب شهری، ناپایداری درآمدهای شهر، تکدی‌گری، مشاغل سیاه، کودکان کار، بی‌خانمانی روزافزون، محله‌های کثیف، مجتمع‌های مسکونی غیراستاندارد، رودخانه‌های آلوده و... توسعه این شهرها را به یک پروبلماتیک تبدیل نموده است (دانش‌نیا، ۱۳۹۷).

برآیند وضعیت یادشده حاشیه‌ای شدن کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی و نقش ضعیف و گاه مخرب آن‌ها در دستیابی به توسعه پایدار محلی و ملی است. چنین شهرهایی هزینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی - امنیتی سنگینی بر دولت ملی و جامعه محلی تحمیل می‌کنند؛ بنابراین در صورت نداشتن دستور کار توسعه‌ای روزآمد و عدم رهیافت متناسب به کنش‌گری شهر در فضای جریان‌های منطقه‌ای و جهانی چهره دوم، بحران‌زده و آشوبناک شهر به مثابه ژانوس عصر جهانی شدن ظاهر می‌شود.

۵. راهبرد و ابزار منتخب توسعه پایدار شهری در اقتصاد جهانی

نه تنها در نتیجه تحولات جهانی شدن نقش و کارکردهای نوینی برای شهر بروز و ظهور یافته، بلکه نحوه رویارویی شهر و مدیران شهری با تحولات نوین، موقعیت و جایگاه شهر را به عنوان بازیگری تأثیرگذار و پیشرو یا حاشیه‌ای و تأثیرپذیر رقم می‌زند. در این راستا مدیریت شهری و رویکرد آن به اداره شهر امری راهبردی است و در حل و فصل مسائل شهر و ارتقای جایگاه آن یا برعکس تعمیق معضلات شهر نقش بی‌بدیل دارد. لازمه موفقیت مدیریت شهری در فضای نوظهور، فراگیری قواعد جدید کنش‌گری در اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و جهانی و به‌کارگیری ابزارهای نوین اتصال به فرایندهای مولد توسعه است. این مهم مستلزم اتخاذ رویکرد اقتصاد سیاسی به مدیریت توسعه پایدار شهری است. تبلور رویکرد یادشده به اداره شهر، تدوین ساختار شبکه‌ای مدیریت و حکمرانی محلی متشکل از ذی‌نفعان و ذی‌مدخلان شهر و حصول به اجماع استراتژیک آنان بر سر مسئله‌شناسی و اولویت‌بندی مسائل توسعه‌ای شهر از یک سو و طراحی ساختار دیپلماتیک شهر و تدوین دستور کار دیپلماسی شهری برای رویارویی کارآمد با ظرفیت‌های پیرامون

ژئوپلیتیک شهر از دیگر سو است.

دیپلماسی مجموعه‌ای از نهادها، فرایندها و رویه‌ها است که در چارچوب آن کنش‌گران مختلف دولتی و غیردولتی منافع خود را در قبال یکدیگر تعقیب می‌کنند. دیپلماسی شهری فرایند ورود مدیریت شهری به شبکه‌ای از تعاملات محلی، ملی، منطقه‌ای و فراملی با دیگر شهرها و کانون‌های ثروت و قدرت است که در پرتو آن مدیران شهری منافع اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و اجتماعی شهر را دنبال نموده و زمینه ارتقای وضعیت توسعه پایدار شهر و بهبود حیات شهری را فراهم می‌آورند (Pluijm, 2007: 11-12). در پرتو دیپلماسی شهری غالباً شهرداران، روابط بین‌الملل شهر خود را نمایندگی می‌کنند. به تبع مدیریت ارشد شهری، سایر مسئولین و حکمرانان محلی نظیر مقامات سیاسی، شورای شهر، مشاوران شهردار، شهرداران مناطق و حتی شهروندان برجسته ترکیب دیپلماتیک شهر را تشکیل می‌دهند. به جهت اهمیت مقوله یادشده شهرها غالباً برنامه مختص توسعه‌ای مبتنی بر دیپلماسی شهری (developmental city diplomacy program) طراحی و تدوین می‌کنند (Fan, 2008: 4-5).

رابطه درهم‌تنیده‌ای بین تحقق اهداف استراتژی توسعه‌ای شهر و اتخاذ رویکرد دیپلماسی شهری از سوی مدیریت شهری وجود دارد. اهمیت یافتن دیپلماسی شهری و نقش آن در تحقق توسعه، برآیند دو تحول نوظهور یعنی گسترش جهانی شدن از یک‌سو و رشد شهرنشینی از دیگر سو است. در این چارچوب دیپلماسی شهری اولویت راهبردی مدیران شهری برای کسب درآمد و نفوذ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در محیط پیرامون خود محسوب می‌شود. دیپلماسی قبلاً ابزاری در دست دولت به منظور حل و فصل مسائل سیاسی - امنیتی بود. حال آنکه امروزه غالباً ماهیتی اقتصادی، فرهنگی و ارتباطاتی یافته و دیگر بازیگران از جمله مدیران شهری استفاده بیشتری از آن می‌برند.

دیپلماسی شهری زمینه ارتباط شهر با کلان‌شهرهای اطراف و نیز در سطح منطقه‌ای و جهانی را فراهم نموده و اتصال به بازیگران فراملی نظیر سازمان‌ها، شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیرامون را میسر می‌سازد. جهان شهرها و کلان‌شهرهای

مختلف در عصر جهانی شدن از دیپلماسی شهری به‌عنوان یکی از ابزارهای کارآمد دستیابی به اهداف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود استفاده می‌کنند. تبدیل شهر به یکی از گره‌گاه‌های (spatial node) اقتصاد ملی و منطقه‌ای برآیند اتخاذ رویکرد دیپلماسی شهری است.

۶. نسبت دیپلماسی شهری و توسعه شهر

مفهوم‌پردازی نظری و برآیند عملی مقوله دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی شهری را می‌بایست در وهله نخست برآیند تحقیقات و اقدامات عملیاتی صورت گرفته در جهان غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا دانست (Szondi, 2008: 1). اگرچه رویکرد و تجربه مذکور متعاقباً در بسیاری از دیگر کشورها و شهرها حتی در برخی مناطق جهان درحال توسعه بسط، پردازش و بکار گرفته شده است. صورت‌بندی سیاست مدیریت شهری با اتخاذ رویکردی دیپلماسی‌گرا، چگونگی بسترسازی و سازمان‌دهی نقش و کارکرد شهر در جغرافیای پیرامون خود جهت تعقیب اهداف و آمال توسعه پایدار شهری را درمی‌گیرد. اینکه شهر از چه وزن ژئوپلیتیکی برخوردار است؟ چه نقش و تأثیرگذاری بر محیط پیرامون خود دارد؟ چه خدمات سیاسی، اقتصادی، علمی، فنی، اجتماعی و فرهنگی در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌تواند ارائه می‌دهد؟ ظرفیت‌های ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر شهر کدام‌اند؟ جایگاه شهر در تقسیم‌کار ملی و منطقه‌ای چیست و چگونه می‌تواند از پتانسیل‌های خود جهت انباشت ثروت و نیز بهبود وضعیت توسعه پایدار شهری استفاده کند؟ ازجمله دغدغه‌های رویکرد دیپلماسی‌گرا و اقتصاد سیاسی مدیریت توسعه پایدار شهری است.

دیپلماسی شهری بر شش «مضمون - راهبرد» دلالت و تمرکز دارد که عبارت‌اند از: امنیت شهری، توسعه شهری، اقتصاد شهری، شبکه شهری، نمایندگی شهری و فرهنگ شهری (نجاتی حسینی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). کارکرد دیپلماسی شهری در همه ابعاد و وجوه شش‌گانه یادشده بی‌بدیل است. این مهم به‌ویژه در مقوله اقتصاد و فرهنگ شهر تلبور می‌یابد. در چارچوب اقتصاد و توسعه شهری مقوله جذب سرمایه، تخصص‌ها، مشارکت

بهتر با سایر شهرها و کانون‌های تولید ثروت، اهمیت و کارکرد دیپلماسی را در اقتصاد پایدار شهر نمایان می‌سازد (دیواندری و همکاران، ۱۳۹۱) اقتصاد شهری دو هدف راهبردی جذب منابع، سرمایه‌های اقتصادی، انسانی، توریسم و... برای شهر در گام نخست و معرفی ظرفیت‌ها و توان خود و نیز بازاریابی و صادرات محصولات تولیدی شهر در گام دوم اهمیت دارد.

میزان تحقق هر یک از اهداف یادشده تا حد زیادی معطوف به مقوله بازنمایی مطلوب شهر و نیز ظرفیت دیپلماتیک مدیریت شهری برای معرفی، برقراری ارتباط، تصویرسازی و اقناع‌سازی دیگران در باب تصویر شهر و توانمندی‌های آن است. دیپلماسی شهری زمینه‌ساز انعکاس چهره‌ای جذاب، مطلوب و دارای فرصت‌های خاص فرهنگی، سرمایه‌گذاری و خدماتی از شهر را فراهم ساخته و در تکوین برند شهری نقش تأثیرگذار دارد.

در بعد فرهنگ شهری و تعاملات فرهنگی نیز نقش دیپلماسی در قالب شکل‌دادن به‌نوعی درک و فهم مشترک از ارزش‌ها و وجوه مادی و معنوی مشترک بین هم‌تایان و شرکای شهر تبلور می‌یابد. برآیند چنین رویکردی نه‌تنها در چارچوب تولید قدرت نرم و امنیت پایدار شهر بلکه در بعد اقتصاد فرهنگ شهر و دستاوردهای مادی ناشی از تعاملات فرهنگی و نمادین شهر تبلور می‌یابد.

۷. چگونگی نقش‌آفرینی دیپلماسی شهری در تحقق توسعه پایدار شهر

دیپلماسی شهری به‌مثابه ساختار و راهبرد روابط بین‌المللی شهر در اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و جهانی، حوزه‌های امنیت، اقتصاد، فرهنگ، توسعه، نمایندگی سیاسی، شبکه و ارتباطات شهر را دربر می‌گیرد. در پرتو طراحی ساختار دیپلماتیک شهری دستیابی به اهداف توسعه‌ای زیر برای شهر متصور است:

- معرفی هوشمندانه پتانسیل‌های طبیعی، تاریخی، باستانی و جاذبه‌های اجتماعی سنتی و نوپدید شهر؛

- بازنمایی برند شهر و صورت‌بندی نوین و جذاب از خود تصویری و دگر تصویری شهر؛

- چانه‌زنی برای تثبیت و ارتقای جایگاه شهر در تقسیم‌کار ملی؛
- کسب موقعیت برتر شهر در جغرافیای پیرامون خود در داخل و خارج اعم از کلان‌شهرهای دیگر، سازمان‌ها؛ و شرکت‌ها از طریق بسط مشارکت، همکاری و ارتباطات شهر در حوزه توریسم، تجارت، کسب‌وکارها، توافقات، سرمایه‌گذاری، رویدادهای منطقه‌ای، بین‌المللی؛
- کاربست تجارب مدیریتی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در رویارویی با مسائل توسعه پایدار شهر؛

- جذب کمک‌های توسعه‌ای فنی، تکنولوژیک و سرمایه‌ای در حوزه‌های مختلف؛
- ارتقای وزن ژئوپلیتیک پیرامونی شهر در سطح داخلی، منطقه‌ای و احياناً جهانی.
شکل‌های مختلفی از دیپلماسی شهری برای پیاده‌سازی و تعقیب اهداف یادشده در دسترس است. شکل نخست که بیشتر در غرب متداول است، لابی کردن (lobbing) مدیران شهری در تعامل با سایر بازیگران در سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. لابی‌ها معمولاً نقش واسطه (mediator)، سازنده پل رابط (bridge builder)، متقاعدکننده (persuader)، تسهیل‌کننده (facilitator) و یا آموزش‌دهنده (trainer) دارند. شکل دوم دیپلماسی شهری، گفتگو (dialogue) و تبادل آرا با نیروهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در سطوح مختلف بانگیزه ایجاد اعتماد، معرفی خود و دستیابی به تفاهم بر سر مسائل مختلف است. نوع و شکل سوم دیپلماسی که اهمیت جدی‌تر و تعیین‌کننده‌تری در قالب دیپلماسی شهری دارد مقوله همکاری‌های توسعه‌ای (development cooperation) است (Fan, 2008: 15).

مدل اخیر در ابعاد و حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی - امنیتی، فرهنگی، زیست‌محیطی و... تجلی می‌یابد. درحالی‌که لابی کردن و میانجیگری در سطوح کوچک و موردی ممکن است فرصت‌هایی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای حل مسائل توسعه‌ای شهر فراهم آورد، موضوع همکاری‌های توسعه‌ای در قالب دیپلماسی شهری نقش راهبردی و ساختاری برای توسعه پایدار شهری ایفا می‌کند. تاکنون برخی شهرها در مناطق مختلف به‌ویژه در جهان غرب، به تناسب ظرفیت و آمادگی خود در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی

اقدام به طراحی و تدوین برنامه مختص توسعه‌ای مبتنی بر دیپلماسی شهری (developmental city diplomacy program) نموده‌اند.

نمونه‌های از دینامیسم ارتباطات و کنش‌گری شهر در اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و جهانی در برنامه‌ها و عملکرد مادر شهرهای جهانی نظیر نیویورک، توکیو، پکن، شانگهای، فرانکفورت، میلان، سنگاپور و پاریس در کشورهای پیشرفته و یا برخی شهرهای جهان در حال توسعه نظیر کوالالامپور، مکزیکوسیتی، هنگ کنگ، دبی، استانبول و... مطالعه شده و نتایج آن چشم‌گیر بوده است (Beaverstock et al, 2000: 128).

۸. چالش‌های توسعه پایدار شهری کرمانشاه از نگاه اقتصاد سیاسی

بررسی وضعیت توسعه‌ای شهری کرمانشاه با ملاحظات مختلفی امکان‌پذیر است. این شهر با مسائل متعددی مواجه است. حاشیه‌نشینی، بیکاری و فقر از جمله این موارد است. به نظر می‌رسد که فرایند توسعه این شهر حتی سرشتی پرابلماتیک به خود گرفته باشد. در چنین وضعیتی، مسائل و چالش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر یکدیگر تأثیر متقابل و بازتولید کننده می‌گذارند. به‌عنوان مثال با استمرار و تعمیق بیکاری در یک جغرافیای خاص، به تدریج جذابیت شهر برای جذب سرمایه‌گذاران کاهش یافته و این مهم خود به دامن زدن و تعمیق پدیده فقر در شهر می‌انجامد.

از درون پدیده بیکاری و فقر، آسیب‌های نوینی نظیر مهاجرت، رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی، افزایش جرم و بزه، اشتغال کاذب و... سر برمی‌آورد. متعاقب آن میل سرمایه به استقرار در شهر پایین آمده و به اصطلاح ظرفیت رقابت‌پذیری و سرمایه‌پذیری پهنه سرزمینی یادشده تنزل می‌یابد. تداوم این وضع ناگوار، استعداد تسری به حوزه سیاست و ثبات شهر را داشته و به بالطبع مسائل توسعه شهر به شکل تصاعد یابنده‌ای به سطح پیچیده‌تر و مخاطره‌آمیزتری سوق می‌یابد. در چنین شرایطی یافتن رابطه علی - معلولی بین مسائل توسعه‌ای شهر و اولویت‌بندی راهبردی آن‌ها جهت مداخله و سیاست‌گذاری دشوار گردیده و امکان کنترل متغیرهای مداخله‌گر و پیش‌بینی آثار و پیامدهای اقدامات سیاستی در حوزه‌های مختلف به راحتی میسر نیست.

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۷۵

از نظر تاریخی کرمانشاه در مقاطعی از ادوار گذشته از جمله در عصر صفویه، قاجاریه و سپس پهلوی نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایران با محیط پیرامون خود داشته است. در عهد قاجار کرمانشاه مسیر نیمی از صادرات و واردات ایران در قالب شاه‌راه تهران- کرمانشاه- بغداد بوده است. با افتتاح کانال سوئز در سال ۱۲۴۸ ه.ش؛ و راه‌اندازی کشتیرانی در دجله و فرات و اهمیت یافتن تجارت بغداد - کرمانشاه، این شهر به‌عنوان یک گره یا هاب تجاری فلات ایران را به همسایگان غربی کشور و نیز از راه بغداد به بازارهای هند و اروپا متصل می‌کرد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۸۴).

یاسنت رایینو کرمانشاه را یکی از کلان‌شهرهای غرب ایران تعبیر می‌کند که در دوره قاجار به‌عنوان گره تجاری و یکی از دروازه‌های ورود مدرنیته به ایران عمل کرده است (به نقل از قلی‌پور ۱۳۹۶: ۵۲). نه‌تنها از حیث تجاری، بلکه به لحاظ ارتباطات فرهنگی، مذهبی و سیاحتی نیز، کرمانشاه در گذشته حلقه اتصال و ارتباط بسیاری از زوار و سیاحان از کشورهای همسایه شمالی ایران و نیز شهرهای شمالی ایران با عراق بوده است. پتانسیل داخلی استان نیز به لحاظ تنوع آب و هوایی و حاصلخیزی زمین‌ها و مزارع، زمانی این شهر را به انبار غله ایران تبدیل کرده بود. اخیراً سازمان علمی - فرهنگی یونسکو کرمانشاه را به‌عنوان سی و هفتمین شهر خلاق خوراک جهان و دوازدهمین شهر خلاق خوراک آسیا معرفی نمود (ایرنا، ۱۴/۸/۱۴۰۰). همچنین در چهل و چهارمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در مردادماه ۱۴۰۰ در شهر فوجوی چین، «منظر فرهنگی هورامان/ اورامانات» کرمانشاه، به‌عنوان بیست و ششمین میراث ملموس ج.ا.ا در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت گردید (دفتر منطقه‌ای یونسکو در ایران، ۱۴۰۰/۷/۱۸).

با وجود پتانسیل فرهنگی، کشاورزی، تجاری، ترانزیتی و موقعیت یادشده در گذشته و حال، وضعیت پایداری توسعه استان کرمانشاه به‌طور عام و شهر کرمانشاه به‌طور خاص رضایت‌بخش نیست (مطالعات آمایش استان، ۱۳۹۷). این شهر در حیات انقلاب اسلامی نقش بی‌بدیلی را به‌خصوص در جنگ تحمیلی و در رویارویی با تجاوز عراق به خاک کشور ایفا نمود. اکنون نیز با تنوعی مثال‌زدنی در عرصه هم‌زیستی اقوام، مذاهب، زبان‌ها و

کثرت فرهنگی موجود تعادل و توازن نسبی را به‌نمایش گذاشته و به‌عنوان مکانی جغرافیایی در نقشه ملی کشور جایگاهی راهبردی دارد.

باین حال شهر کرمانشاه از لحاظ تبدیل ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه به قدرت بالفعل با چالش‌ها و موانعی مواجه است. واقعیت آن است که کرمانشاه را در رویارویی با روندهای نوظهور اقتصاد جهانی می‌توان شهری حاشیه‌ای و محروم دانست از این حیث که ظرفیت‌سازی لازم برای استقرار روندهای نوین ارتباطاتی، اقتصادی، فرهنگی و خدماتی را در خود فراهم نساخته و دست‌کم بازنمایی مطلوبی از جذابیت‌های شهر برای میزبانی از تخصص‌ها و خدمات نوین مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان و استقرار سرمایه و مدارهای تولید و ثروت‌افزایی نوین در آن صورت نپذیرفته است.

وضعیت پروبلماتیک توسعه‌ای شهر و شرایط مخاطره‌آمیز آن را می‌توان از زبان آمار و گزارش سازمان‌های مختلف مشاهده نمود. استان کرمانشاه با دارا بودن حدود ۲/۵٪ از جمعیت کشور و ۱/۵٪ مساحت آن پرجمعیت‌ترین استان در میان استان‌های هم‌جوار یعنی کردستان، همدان، لرستان و ایلام است. درصد جمعیت شهرنشین کرمانشاه بیشتر از استان‌های یادشده است. شهرستان کرمانشاه به‌تنهایی بیش از نیمی از جمعیت استان و به‌تنهایی ۷۰٪ جمعیت شهرنشین و بقیه ۳۳ شهر دیگر استان ۳۰٪ جمعیت شهری استان را در خود جای‌داده است (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷).

درصد جمعیت شهرنشین کرمانشاه بیش از استان‌های هم‌جوار خود است. در همدان بیش از ۴۰٪ جمعیت کماکان در روستاها سکونت دارند. در واقع میزان رشد جمعیت روستایی کرمانشاه در منطقه غرب کشور طی سی سال اخیر همواره منفی بوده و نسبت به استان‌های پیرامون خود میزان شهرنشینی و به تعبیر بهتر حاشیه‌نشینی آن رو به افزایش بوده است. پدیده یادشده بیش از هر چیز نشانگر وضعیت قطبی، نخست شهری و بزرگسری شهر کرمانشاه در اقتصاد سیاسی استان است.

آسیب‌های مختلفی در حوزه سیاست‌های توسعه و نوسازی از قبل از انقلاب اسلامی و متعاقب آن جنگ تحمیلی رشد حاشیه‌نشینی شهری را برای کرمانشاه رقم‌زده است. بر

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۷۷

اساس آمارها تنها در روزهای اولیه شروع جنگ تحمیلی و اشغال برخی شهرهای استان از جمله قصر شیرین، بیش از ۲۵۰۰۰ مهاجر جنگ‌زده در شهر کرمانشاه سکونت داده شد. نتیجه مجموع این روندها شکل‌گیری و رشد بیش از ۳۰ شهرک حاشیه‌ای بوده که اکنون بیش از ۳۰٪ جمعیت شهری کرمانشاه را در خود جای‌داده است. این مهم بیانگر پیچیدگی‌های مختصات شهرنشینی کرمانشاه و مسائل فراروی آن از حیث سطح دسترسی به خدمات شهری، اشتغال‌پذیری، تعادل فضایی و... است (مطالعات جمعیت‌شناسی آمایش استان کرمانشاه، ۱۳۹۷: ۵۰-۴۵).

اقتصاد ایران را در کل می‌توان اقتصادی منبع بنیان تلقی نمود که سهم صنایع و خدمات نوین یا مشاغل عصر جهانی‌شدن اقتصاد در آن بین ۱/۹٪ تا ۲/۵٪ است. سهم محصولات متوسط اقتصاد ایران ۳۰ درصد و سهم منابع و مواد خام تقریباً ۷۰ درصد است. با این حال توزیع این نسبت‌ها در بین استان‌های کشور متوازن نیست. وضعیت کرمانشاه از حیث کیفیت محصولات و تخصصی‌شدن خدمات و فعالیت‌ها بدتر از بسیاری از دیگر استان‌های هم‌تراز خود است (نجفی، ۱۳۹۷: ۱۸۴).

در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان، کرمانشاه رتبه ۲۶ را در میان استان‌های کشور دارد. برابر یافته‌های مطالعات جمعیت‌شناختی آمایش استان، سهم جمعیت متخصص، مدیران و تکنسین‌ها در مشاغل استان جمعاً حدود ۱۵٪ است. این در حالی است که نیمی از اشتغال استان را بخش خدمات تشکیل می‌دهد. نسبت‌های یادشده نشان می‌دهد اشتغال مذکور در بخش خدمات با آنچه از شکل‌گیری خدمات نوین در شهر و نقش شهر به مثابه ارائه‌دهنده خدمات تخصصی به پیرامون خود در بالا گفته شد، متفاوت است. ساختار خدمات اشتغال در کرمانشاه غالباً از نوع ناپایدار و محصول بسط حاشیه‌نشینی، زوال روستانشینی و گسیل مهاجرت جمعیت غیر ماهر به شهر بزرگی است که به جهت نخست شهری جذابیت و مفرهایی را برای گذران زندگی روزمره عرضه می‌دارد.

شهر کرمانشاه به‌تنهایی نیمی از بیکاران استان را در خود جای‌داده است. بالطبع این مهم، آسیب‌ها و فشار خود را بر ساختار درآمد و سطح توسعه‌یافتگی شهر برجای

می‌گذارد. کرمانشاه از حیث سطح زمین زیر کشت در رتبه دوم کشوری و به لحاظ میزان تولید و بهره‌وری رتبه پانزدهم کشوری را دارد. این مهم نشانگر سطح پایین کاربرد تکنولوژی و تخصص در تولیدات استان است. برابر آمارها بیش از ۸۰٪ نخبگان کرمانشاهی از این شهر خارج می‌شوند. سهم کرمانشاه از تولید ناخالص داخلی ۱/۷٪ است. درحالی‌که سهم اصفهان ۶/۷٪، خراسان رضوی ۵/۳٪ و فارس ۴/۲٪ است (نجفی، ۱۳۹۷: ۲۲۰-۱۹۰). از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ تراز جمعیت کرمانشاه همواره منفی بوده است. روند یادشده نشانگر آن است که کرمانشاه بیشتر از آن‌که پذیرای مهاجران متخصص، صاحب سرمایه، دانش و نوآوری باشد، به شهری مهاجرفرست تبدیل شده است. طی یک دهه منتهی به سال ۱۳۹۵ بیش از ۳۰ هزار نفر مهاجر وارد استان کرمانشاه شده و حدود ۷۷ هزار نفر از استان خارج شده‌اند. درواقع خالص مهاجرت از شهر بیش از ۳۸ هزار نفر بوده است که غالباً شامل نیروی انسانی آماده کار اما بیکار یا نخبگان و صاحبان سرمایه و تخصص بوده است (گزارش جمعیت‌شناختی آمایش استان کرمانشاه ۱۳۹۷، جلد اول). فصل مشترک هر دو طیف مهاجر، جستجوی شغل یا شغل بهتر بوده است. بر این اساس می‌توان چهره‌ای پارادوکسیکال و ژانوسی برای شهر کرمانشاه قائل بود. بدین معنا که جمعیت و گستردگی شهر از یک سو اقتصاد سیاسی استان را مستعد امکانات و ظرفیت‌های بیشتر برای تولید ثروت، تمرکز خدمات و تخصص‌های مختلف ساخته و از دیگر سو، با مشکلات پیچیده‌ای از حیث تراکم جمعیت، حاشیه‌نشینی، فقر و بیکاری، ناامنی اجتماعی و بزه‌های مختلف مواجهه نموده است.

۹. نسبت برندآفرینی شهری با دیپلماسی شهر

امروزه در بسیاری از مناطق دنیا موضوع برندآفرینی شهری موردتوجه جدی قرار گرفته است و هر ساله تلاش‌های زیاد و سرمایه‌گذاری‌های کلانی برای ایجاد برندهای قدرتمند و جذاب شهری صورت می‌پذیرد. دلیل آن این است که برندآفرینی شهری می‌تواند منجر به ارزش‌آفرینی برای دارایی‌های مشهود و نامشهود، جذابیت‌ها و پتانسیل‌های یک شهر شود. آنچه وجه تشابه این تلاش‌ها است آن است که تمامی این شهرها قصد آن را دارند تا

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۷۹

ویژگی منحصر به فرد و متمایزی را از خود نشان دهند و تصویر کنونی را به سمت تصویر ایدئال هدایت نمایند (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۶).

پس از گذشت چند دهه از سابقه شهرنشینی به معنای مدرن آن در ایران کماکان کمتر شهری تصویر و برداشت خاصی از کارکرد و نقش خود در جغرافیای پیرامونی شهر را طراحی نموده است. در حال حاضر اکثر شهرهای ایران از جمله کرمانشاه، نه تنها تصویر و برند ثابت و مشخصی ندارند، بلکه به سازوکارها و ابزارهای شکل دادن و بسط تصویری مطلوب و شایسته از خود به ندرت می‌اندیشند. این مهم علاوه بر ایجاد هزینه فرصت از دست رفته ناشی از خلأ برند آفرینی شهری، باعث می‌شود مدیریت شهری و سیاست‌گذاری حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سرمایه‌گذاری، گردشگری و... اغلب بدون برنامه و استراتژی بلندمدت خاصی صورت گرفته و در برخی موارد، اقدامات بخشی (partial) و حتی متضاد و مغایر باهم اتخاذ شود. نتیجه چنین رویه‌ای، ارائه تصویری ناهماهنگ، متناقض و آشفته از شهر به مثابه یک کلیت (whole) با پیرامون خود، بجای بازنمایی شفاف، روشن، منسجم و جذاب در جهت تقویت موقعیت و جایگاه شهر در مفصل‌بندی قدرت و ثروت در سطح ملی، منطقه‌ای و احیاناً جهانی است.

۱۰. اقتصاد سیاسی و جهت‌گیری توسعه پایدار کرمانشاه

جهت‌گیری توسعه‌ای متناقض استان کرمانشاه را از لابه‌لای اقدامات و تصمیمات اداری - سازمانی کلیشه‌ای برای حوزه صنعت، خدمات و کشاورزی و در نتیجه متلون شدن هویت اقتصاد سیاسی استان و مشخص نشدن نقطه کانونی تخصص و مزیت رقابتی شهرها و مناطق آن می‌توان مشاهده نمود. مشاهدات میدانی و گزارش نهادهای رسمی نشان می‌دهد، استان کرمانشاه در سالیان گذشته به میزبان طیفی از صنایع و کارخانه‌های بزرگ‌مقیاس در حوزه سیمان، فولاد و به‌ویژه صنایع پتروشیمی تبدیل شده است. طبق مصاحبه‌های مقامات محلی در صورت دایر شدن و تحقق همه ظرفیت‌های تعریف‌شده در خصوص توسعه صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی، استان کرمانشاه بعد از مناطق جنوبی کشور، به قطب صنعت پتروشیمی در ایران تبدیل خواهد شد (پورتال استانداری کرمانشاه، ۱۴۰۰).

مطالعات گسترده‌ای در خصوص اقتضائات روند صنعتی یادشده از حیث آب بر بودن، سرمایه‌بر بودن، تنگناهای بازار مصرف و وجود رقبای قدرتمند در سطح منطقه خاورمیانه برای بازارهای روبه افول تقاضای محصولات صنایع یادشده و دیگر ابعاد و زوایای اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و کالبدی جهت‌گیری مزبور در دسترس است^۱. اینکه تا چه اندازه اقتضائات اقتصاد، نیازها، مزیت و پتانسیل‌های استان کرمانشاه با جهت‌گیری توسعه‌ای مذکور متناسب و هم‌راستا است، به‌نظر نمی‌رسد پشتوانه و پاسخ روشن علمی نزد نظام دانایی و توانایی استان برای آن تمهید شده باشد. دست‌کم از مهم‌ترین سند بالادستی موجود یعنی مطالعات آمایش استان چنین توصیه و راهبردی مبنی بر اختصاص منابع کمیاب اقتصادی ملی و ظرفیت‌های محلی به چنین پروژه‌هایی قابل احصاء نیست (مطالعات آمایش استان کرمانشاه، مجلد تبیین چشم‌انداز و طراحی سناریوی توسعه فضایی استان، ۱۳۹۷).

ناگفته پیداست که گفتار یادشده به‌معنای نفی توسعه فناورانه و صنعتی شدن استان نیست. از سویی شناسایی مزیت رقابتی، ارزیابی سیاست صنعتی موجود، برآورد امکانات و پتانسیل اقتصاد سیاسی استان نیز خارج از توان علمی - کارشناسی ملی و محلی نیست. بلکه تمهید سیاستی لازم برای تعامل نظام دانایی و توانایی موجود به‌منظور صورت‌بندی نظریه پایه توسعه استان است که به‌نظر می‌رسد در لابه‌لای روال اداری - سازمانی مرسوم و گسست نظام تدبیر و علم کماکان به‌عنوان یکی از موانع فراروی چشم‌انداز توسعه پایدار استان دچار تأخر است (دانش‌نیا، ۱۳۹۷). این مهم سیمای توسعه استان را مستعد غلبه ژورنالیسم، فرمالیسم و فیزیکیالیسم توسعه بر جهت‌گیری توسعه‌ای ارگانیک، پایدار و پویا ساخته است.

نتیجه‌گیری و یافته‌ها

بسط مناسبات اقتصادی پایدار و کاربرد دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی شهری برای

۱. برای مطالعه بیشتر ببینید: دانش‌نیا، فرهاد، تحولات اقتصاد سیاسی جهانی و مسئله انتقال صنعت به کشورهای جهان سوم، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹؛ همچنین ببینید مقالاتی از دانش‌نیا، فرهاد درخصوص پیامدهای صنعتی شدن برای کشورهای درحال توسعه.

فعال‌سازی ظرفیت‌های پیرامون کرمانشاه در داخل کشور و نیز منطقه به‌منابۀ یک راهبرد بنیادین مقاوم‌سازی و افزایش تاب‌آوری اقتصاد استان به شمار می‌رود. این مهم نه‌تنها گامی در راستای کاهش سنگینی بار تصاعد یابنده مشکلات توسعه‌ای استان بر اقتصاد ملی بلکه رویکردی تهاجمی در خنثی‌سازی تحریم‌ها و مشارکت اقتصاد سیاسی استان در تقسیم‌کار ملی و منطقه‌ای است. اقتصاد سیاسی استان کرمانشاه حاکی از نوعی عدم تعادل فضایی است.

ضعف ساختار پویای اقتصادی موجود در استان طی چند دهه گذشته باعث سرریز شدن جمعیت به شهر کرمانشاه و تداوم و تعمیق پدیده نخست شهری در استان شده که مسائل و مشکلات حیات شهری آن را به‌ویژه در حوزه اقتصادی به لحاظ توان شهر در جذب جمعیت سرریز به آستانه مخاطره‌آمیزی رسانده است. گسیل جمعیت پیرامون به شهر کرمانشاه کماکان ادامه دارد و در مقابل، برآورد خاصی از افزایش ظرفیت محتمل اقتصاد سیاسی شهر برای پاسخ به تقاضای جمعیت روبه فزونی در دسترس نیست.

از دیگرسو، ضعف توان دولت در تخصیص اعتبارات به شهرها به طرق اولی دامن‌گیر استان کرمانشاه نیز هست. باوجود برخی تلاش‌ها، به‌نظر می‌رسد ساختار برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهر کرمانشاه در برآورد تهدیدات، فرصت‌ها و نقاط قوت و ضعف شهر کرمانشاه به‌منظور تعقیب اهداف توسعه پایدار شهری دچار تأخر فرهنگی، فکری و برنامه‌ریزی باشد. بدین‌معنا که کماکان مقوله اجماع و ذهنیت آماده‌سازی استان و شهر برای ایفای چنین نقش‌هایی، در میان بازیگران تأثیرگذار شهر اعم از مدیران، مردم، جامعه مدنی و ساختار علمی شهر با امتناع روبه‌رو است.

آمارها و داده‌های موجود درخصوص سهم استان از ارزش‌افزوده ملی، سرمایه‌گذاری ملی، پس‌انداز ملی، اقتصاد دانش‌بنیان، صنعت کشور و... حکایت از وضعیت حاشیه‌ای استان در تقسیم‌کار ملی در قیاس با همتایان خود حتی در استان‌های هم‌جوار دارد. تداوم رتبه منفی استان در برخی آسیب‌ها و مقوله‌هایی نظیر بیکاری، حاشیه‌نشینی و... طی یک دهه اخیر نشانگر تراکم چالش‌های توسعه‌ای شهر از یک‌سو و عدم آمادگی آن برای ایفای نقش پیشرو در جغرافیای زیست خود از دیگرسو است. تحرک و تکاپوی برخی شهرها و

مدیران شهری در استان‌هایی نظیر تهران، اصفهان، تبریز، همدان و مشهد برای استخراج برند شهر، روزآمد نمودن ساختار تصمیم‌گیری و زیرساخت شهری جهت کنش‌گری در فضای اطلاعاتی - ارتباطاتی نوین قابل مشاهده است. در قیاس با تجارب یادشده وضعیت کرمانشاه را می‌توان شکننده تلقی نمود.

اندیشیدن به راهبردهای برون‌رفت از تنگناها و ناپایداری اقتصاد سیاسی کرمانشاه به‌ویژه در حوزه تحول ساختار تولید و اشتغال‌پذیری شهر الزامی ساختاری و اجتناب‌ناپذیر است. جغرافیای پیرامون کرمانشاه مختصاتی را به نمایش می‌گذارد که در صورت طراحی استراتژیک حکمرانی محلی برای شناسایی ظرفیت‌ها و فعال‌سازی آن می‌تواند وضعیت کرمانشاه را از شهری حاشیه‌ای به شهری پیشرو و تأثیرگذار در منطقه غرب کشور و نیز در اتصال به کشورهای همسایه ایران در شرق خاورمیانه تبدیل کند.

نخستین اقدام استراتژیک مدیریت شهری کرمانشاه برای رویارویی با مسائل توسعه‌ای شهر و قرار گرفتن در مدار روندهای نوین توسعه و تحول پویا، تدوین برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت توسعه شهر ((City Development Strategy (CDS) و روشن ساختن سازوکارهای کارآمد توسعه شهری متناسب با الزامات نوین منطقه‌ای و جهانی است. یکی از اضلاع مهم سند و استراتژی یادشده برای توسعه شهر و نیز از مهم‌ترین ابزارهای کارآمد تحقق اهداف آن طراحی و فعال‌سازی دیپلماسی شهری است. مفصل‌بندی تئوریک و تجربی پژوهش حاضر نشان می‌دهد این مهم زمینه‌ساز بسط حوزه نفوذ شهر، جذب سرمایه و امکانات پولی، تجاری، ارتباطی و خدماتی برای شهر، بهبود کسب‌وکارها، خلق و تکوین برند شهری و گسترش تعاملات سیاسی - اقتصادی و فرهنگی کرمانشاه با هم‌تایان خود در سطوح ملی و منطقه‌ای خواهد بود.

دیپلماسی شهری کرمانشاه، ضمن شناسایی و اتصال به کانون‌های تأثیرگذار قدرت و ثروت به شکل‌گیری روابط بین‌الملل شهر، پیدا کردن شرکا و هم‌تایان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ارتباطی شهر در عرصه داخلی و خارجی می‌انجامد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد اتخاذ رویکرد دیپلماسی شهری برای بسط و گسترش ژئوپلیتیک شهر کرمانشاه

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۸۳

و نقش تعیین‌کننده آن در منطقه غرب کشور به‌عنوان مهم‌ترین شهر و نیز در میان همسایگان غربی ایران در شرق خاورمیانه سازوکاری مؤثر و کارآمد است.

در پرتو تحرکات دیپلماتیک شهر در غالب رایزنی‌ها، گفتگوها و برنامه‌های همکاری توسعه‌ای در سطح داخلی و منطقه‌ای با دیگر شهرها، زمینه موفقیت حکمرانی محلی در به‌کارگیری ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی و ارتباطی شهر، رشد و پویایی شهر و به‌تبع آن افزایش ثبات سیاسی، رضایتمندی شهروندان و مشارکت آن‌ها در تدبیر امور فراهم می‌شود. متقابلاً تأخیر در ساماندهی به رهیافت مدون و عملیاتی مدیریت توسعه پایدار استان و انفعال در برطرف نمودن نیازهای اساسی شهروندان و حل‌وفصل مسائل و مشکلات مبتلابه، ضمن رقم زدن مسائل اقتصادی و فرهنگی برای شهر، آن را وارد چرخه منفی بازتولید بحران نموده و نارضایتی و بی‌اعتمادی شهروندان از عملکرد مدیریت شهری را به بار خواهد آورد. نکته آن است که آثار تأخیر در تحقق توسعه پایدار شهری کرمانشاه متفاوت از بسیاری از دیگر مناطق کشور است. این مهم با عنایت به تنوع بافت فرهنگی، قومی، مذهبی و زبانی کرمانشاه و قرار گرفتن آن در جوار کانون‌های پرتحول بیرونی قابل تأمل است.

با اتکا به نظریات و مطالعات تجربی می‌توان ادعا نمود که تنوع و تکثر تاریخی - فرهنگی کرمانشاه خصلتی پیچیده و ژانوسی دارد. مختصات یادشده از یک‌سو، مهم‌ترین پتانسیل و نقطه قوت شهر برای طراحی و استخراج برند شهری کرمانشاه و پیش برد توسعه پایدار شهر در پرتو آثار و دستاوردهای آن است. در این خصوص می‌توان با بهره‌گیری از سرمایه‌های بزرگ معنوی شهر کرمانشاه و تصویرسازی جهت‌مند و جذاب برای دستیابی به جایگاه ارزشمند اجتماعی و فرهنگی در کشور و جهان در قالب طراحی برند مناسب برای کرمانشاه و برندآفرینی صحیح؛ اقدام نمود؛ چراکه بخشی از تصویر ذهنی برجای‌مانده فعلی از کرمانشاه، به سبب برجسته‌سازی برخی معضلات اجتماعی نظیر خشونت، اعتیاد و... دچار سوءتعبیرهایی ناروا گردیده است و باوجود تغییر و تحولات پرشمار فرهنگی، اجتماعی، رفتاری و اخلاقی دهه‌های اخیر، این موضوع متأثر از برخی رسوبات ناخودآگاه

در اذهان جمعی، به معضلی برای پیشرفت استان تبدیل شده است که می‌تواند حتی به منبعی برای بازتولید برخی مفاهیم ضد توسعه مانند عدم تمایل به سرمایه‌گذاری، مهاجرت نخبگان علمی و اقتصادی، تشدید خشونت و... گردد. برندیابی مجدد (Rebranding) کرمانشاه می‌تواند پدیده‌ای اثربخش باشد که ضمن امکان تأثیرگذاری بالقوه بر توسعه اقتصادی و اجتماعی؛ منجر به تصحیح تصورات ناساز گذشته و ایجاد و ارتقاء روحیه و فرهنگ پایدار خودباوری و تقویت ویژگی‌های مدنی و همه‌گیر شدن شئون و مناسبات سازنده فرهنگی گردد که در راستای اهداف و برنامه‌های اقتصادی نیز به کار گرفته شود.

گام بعدی پایه‌گذاری و عملیاتی نمودن ساختار و تشکیلات روابط بین‌الملل شهر کرمانشاه است. این مهم به شکل تخصصی و حرفه‌ای زمینه توسعه ارتباطات شهر از یک سو و مکان‌یابی هویت و برند شهر در جغرافیای پیرامون خود را فراهم می‌سازد. در حقیقت اگر تحقق اقتصاد پویای استان را در راستای نتایج مطالعات آمایش استان و نیز یافته‌های نگارندگان پژوهش حاضر در پرتو مطالعه اقتصاد سیاسی دیپلماسی شهری و برندیابی شهر کرمانشاه شاهره مدارهایی نظیر گردشگری و تبدیل کرمانشاه به مرکز ارائه‌دهنده خدمات تخصصی به پیرامون خود تلقی کنیم، دیپلماسی شهری رویکرد و راهبرد تحقق این مهم تلقی می‌شود.

در نهایت سامان‌دهی به اهداف راهبردی یادشده نیازمند گروه تخصصی و تشکیلات کارآمد جهت تعقیب دستور کار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارتباطاتی ملازم توسعه پایدار استان است. در مفهوم نوین سیاست با نوعی از دولت‌داری و حکمرانی مواجه هستیم که در بستر نظام شبکه‌ای و هم‌عرض روابط و مناسبات بین بازیگران تکوین می‌یابد؛ بنابراین سیاست خارجی به معنای تعقیب برخی اهداف والا توسط دیپلمات‌های رسمی، در حال جایگزینی با شبکه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی و روابط درهم‌تنیده توسعه محور آنان در سطوح منطقه‌ای و فراملی است.

اکنون در کنار دغدغه‌های امنیتی و سخت‌افزارانه دولت‌ها و چه بسا مقدم بر آن، رویارویی با مسائل حیاتی دیگری از جمله توسعه، رفاه، پایداری محیط‌زیست، جذب

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۸۵

سرمایه، روان‌سازی محیط کسب‌وکار و... برای تحقق امنیت پایدار جوامع و نظام‌های سیاسی اولویت یافته است. برخلاف سازوکارهای رایج گذشته در تعریف و حصول به امنیت به شکل غالباً سخت‌افزارانه و دولت‌محور، مدل کارآمد حل و فصل مسائل جاری مبتنی بر تشریک‌مساعی و ائتلاف بین دولت و کنش‌گران غیردولتی در یک محیط شبکه‌ای و با کاربرد ابزارهای نوین تعامل و چانه‌زنی است. در این چارچوب به موازات حضور دیپلمات‌های رسمی و بعضاً بیش از نقش‌آفرینی آن‌ها، شهرداران، شهرها، سازمان‌های غیردولتی، اتاق‌های فکر توسعه‌ای و مراکز مطالعاتی و سیاست‌گذاری مشترک ایفای نقش می‌کنند. اگرچه روند یادشده در همه‌جا یکسان نیست و همه دولت‌ها به یک اندازه به تحول یادشده تن نداده‌اند، اما آثار کارآمدی سازوکارهای نوین مذکور در برخی مناطق شرق و غرب جهان خود را در رویارویی اثربخش با مسائل و چالش‌های فراوری توسعه پایدار اقلیم نشان داده است.

فرجام سخن آنکه اقتصاد سیاسی استان کرمانشاه با طیفی از تنگناهای هستی‌شناسانه، معرفتی، ساختاری، نهادی و نیز دستور کار کارهای توسعه‌ای مواجه است که تأخیر در حل و فصل و مرتفع نمودن آن‌ها به پیچیده‌تر شدن فرایند توسعه پایدار جغرافیای مذکور و تخلیه ظرفیت نهادی آن در رویارویی با مسائل تراکم یافته می‌انجامد. پژوهش حاضر به یکی از زوایا و رهیافت‌های ورود به مسائل اقتصاد سیاسی توسعه استان و امکانات کاربست آن برای ارتقا توسعه پایدار محلی پرداخت که امید است بازنمایی خلاقانه یادشده زمینه‌ساز گفتگوی بیشتر در این خصوص نزد محافل علمی و سیاست‌گذار استان باشد. از داوران فرهیخته مقاله برای ارائه نقطه‌نظرات ارزشمند خود و نیز از سرکار خانم ثریا شریفی، کارشناس کوشا و مسئولیت‌پذیر نشریه در پیگیری امور ارزیابی و انتشار پژوهش قدردانی می‌شود.

منابع

احمدی‌پور، زهرا؛ فورچی، مرتضی و قادری، مصطفی (۱۳۹۱). تبیین جایگاه دیپلماسی شهری در توسعه حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی، *مجله جغرافیا و توسعه شهری*، ۱ (۱)، ۱۵۷-۱۸۲.

بورژل، گی (۱۳۷۷)، شهر امروز، ترجمه سید محمد سیدمیرزایی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، جلد ۱.

ثبت منظر فرهنگی هورامان/ اورامانات (۲۰۲۱)، گزارش دفتر منطقه‌ای یونسکو در ایران، ۱۴۰۰/۷/۱۸، قابل بازیابی در سایت: <https://fa.irunesco.org/>

خلیل آبادی، حسن (۱۳۹۰)، ژئوپلیتیک شهری، تهران: نشر نوآوران شریف.
دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۱)، دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا: ابزارهای موفقیت راهبرد توسعه‌ای ایران در اقتصاد جهانی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، ۳ (۹)، ۶۷-۸۶.
دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۷)، پروبلماتیک زندگی شهری در کرمانشاه از منظر اقتصاد سیاسی، ارائه‌شده در همایش ملی کرمانشاه و زندگی شهر، دانشگاه رازی، مهر ۱۳۹۶.

دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۷)، تقدم امر سیاستی به امر سیاسی به مثابه متدلوژی تعامل و هم‌بودگی نیروهای اجتماعی تأثیرگذار بر فرایند توسعه پایدار استان کرمانشاه، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه پایدار استان کرمانشاه، دانشگاه رازی، آذر ۱۳۹۷.

دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۷)، زمینه‌های واگرایی در مناطق غربی استان کرمانشاه، پروژه تحقیقاتی، کارفرما، معاونت سیاسی - امنیتی استانداری کرمانشاه.

رنانی، محسن (۱۳۹۹)، کتاب توسعه: گزارش مصادمات منور تلفیقی بر جایگاه ایران در شاخص‌های جهانی توسعه، اصفهان: نشر فرهنگ مردم.

روستا، احمد؛ قره‌چه، منیژه؛ حمیدی‌زاده، محمدرضا و محمدی‌فر، یوسف (۱۳۹۵)، مدلی برای برندسازی شهری در ایران براساس نظریه داده‌بنیاد، نشریه مدیریت برند، ۳ (۱)، ۴۱-۶۸.

شارع‌پور، محمود (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی شهری، جلد اول، تهران: سمت.
عیسوی، چالرز (۱۳۶۹)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.

قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۶) سازمان دهی فضایی شهر کرمانشاه در دوره پهلوی اول، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۷ (۱)، ۵۱-۷۱.

قلی‌پور، سیاوش. احمدی، وکیل. کریمی، جلیلی (۱۳۹۷)، تحلیل اقتصاد سیاسی نظام شبکه شهری استان کرمانشاه (۱۳۹۵-۱۳۳۵)، نشریه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۲ (۱)، ۲۷-۵۴.

کرمانشاه به‌عنوان شهر خلاق خوراک در جهان معرفی شد، گزارش خبری ایرنا، ۱۴۰۰/۸/۱۸، قابل بازیابی در سایت: <https://www.irna.ir/news/84534406>

مطالعات آمایش سرزمین استان کرمانشاه (۱۳۹۷)، سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه، گزارش‌های

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش نیا و یوسف محمدی فر) ۳۸۷

جمعیت‌شناختی، اقتصاد دانش‌بنیان و تحلیل وضعیت فرهنگی استان کرمانشاه.

نجفی، سید محمدباقر (۱۳۹۷)، گزارش اقتصاد دانش‌بنیان استان کرمانشاه، مطالعات آمایش استان، سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه.

واعظی، محمود و موسوی شفاپی، مسعود (۱۳۸۸)، دیپلماسی اقتصادی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

References

- Ahmadipour, Z., Ghurchi, M. & Ghaderi, M. (2013). Determining The Position of Urban Diplomacy in the expanding of geopolitical influence. *Geography and Urban Space Development*, Number 1, Spring and Summer (In Persian).
- Beaverstock V.Jonathan, Smith G. Richard. and Taylor J. Peter (2000), World-City Network: A New Metageography?, *Annals of the Association of American Geographers*, Volume 90, Issue 1, pages 123-134
- Bourgell, G. (1998). *Present City*, translated by Seyed Mohammad Seyed Mirzaei. Shahid Beheshti University Publishers, Volume 1 (In Persian).
- Cox, R. (1994) "Global Restructuring: Making Sense of the Changing International Political Economy", in *Political Economy and the Changing Global Order*, eds. by Stubbs, Richard and Underhill Geoffrey, Canada, McClellan.
- Curtis, S. (2014), *The Power of Cities in International Relations*, Edited, Rutledge publication, First published.
- Daneshnia, F. (2012). Globalization and Islamic Republic of Iran Development strategy. *Strategic Studies of Public Policy Journal*.3-9, p.p 67-86 (In Persian).
- Daneshnia, F. (2017). The Primacy of Politic over the political of as a methodology of interaction and coexistence of social forces influencing the process of sustainable development of Kermanshah. Proceedings of the National Conference on Sustainable Developmen of Kermanshah.Razi University, November 2018 (In Persian).
- Daneshnia, F. (2017).The roots of fragmentation in the western regions of Kermanshah Province. Research project, employer: political-security office of Kermanshah Governorate (In Persian).
- Daneshnia, F. (2018). The Problematic of Life city in Kermanshah in the political economy framework. Presented at the national conference of "Kermanshah and city life", Razi University, October 2016 (In Persian).
- Dehghani Firouzabadi, J. & Salehi, M. (2012), Economic Diplomacy of the Islamic Republic of Iran: Fields and Challenges, *Iranian Economic Research Quarterly*, 17th year, number 52.
- Fan, Y. (2008), soft power of attraction or confusion? Available at: place branding and public diplomacy: vol4:2
- Gholipoor, S. Ahmadi, V. & Karimi, J. (2017). political economic Analysis of the Urban system in Kermanshah Province (1956-2016).*Biannual Journal of International Political Economy studies*,1(1), Autumn2018 and winter 2019,26-54 (In Persian).
- Gholipor, S. (2016). Space organization of Kermanshah city in the first Pahlavi period, *Iranian Journal of Anthropological Research*, 7(1),51-71.(In Persian).
- Issawi, Ch. (1369). *Economic history of Iran*. Translated by Yaqoub Azhend. Tehran: gostareh publication.(In Persian).
- Jan. Art Scholte (2000), *Global Capitalism and the State*, in Linklater Andrew; eds (2000) *International Relation: Critical concepts in political science*, London and New York: volume, p.p1490-1515
- Kermanshah has been Introduced as a Creative food city, IRNA news report. (30/10/2021). retrievable at: <https://www.ima.ir/news/84534406>. (In Persian).

- Khalilabadi, H. (2011). *Urban Geopolitics*. Tehran: Fanavaran sharif publication (In Persian).
- Mahmoud, vaezi & Mousavi Shafae, Masoud (2008). *Economic Diplomacy*, 1st edition. Tehran: Institute Research strategic (In Persian).
- Manuel Castells (2004), *The network society: a cross-cultural perspective*, eds. Northampton, MA: Edward Elgar.
- Mirtroabi, S. (2014). An Introduction to political Economy *problem of Iran oil*. 2nd edition. Tehran: ghoomes publication (In Persian).
- Najafi, S. M. B. (2018). Knowledge-based Economy Report of Kermanshah province. Land used studies. planning and Budget organization, Kermanshah province (In Persian).
- Nye. J. (2005) *“Power in a Global Information Age: From Realism to Globalization*, Rutledge, London and New York.
- Pluijm, R. (2007), city diplomacy: the expanding role of cities in international politics, available at: <http://www.clingedael.nl>
- Registering the cultural landscape of Horaman/Uramanat. (2021). report of the UNESCO regional office in Iran (10/10/2021). Retrievable at: <https://fa.unesco.org/>. (In Persian).
- Renani, Mohsen (2020). *Development book: Preliminary report of a combined review of Iran's position in the index Global Development*. Isfahan: Farhang Mardom publication (In Persian).
- Rosenau, N. J. (1999) “The Future of Politics, in Futures, 31, 1005-1016.
- Sassen, S. (2006), *cities in a world economy*, pine forge press. An imprint of sage publication.
- Strange, S. (2015), *States and Market*, Bloomsbury Publishing.
- Strange, Susan (1994) “Rethinking Structural Change in the International Political Economy: States, Firms and Diplomacy”, in Richard Stubbs, and Geoffrey Underhill, *Political Economy and the Changing Global Order*, eds. Canada, McClelland, pp.103-115
- Studies of Kermanshah province land-use planning (2018). Planning and Budget organization Kermanshah province, demographic reports, knowledge-based economy and analysis of the cultural situation of Kermanshah province (In Persian).